



اقتصادی بر دوش خانواده و دولت به جای می‌گذارد. نگهداری زندانیان علاوه بر داشتن هزینه‌های بالا، به دلیل عدم توانایی مسئولان در طبقه بندی و گزینش زندانیان بر حسب نوع جرم، سن، مدت محکومیت و غیره سبب وارد آمدن ضربه به عنصر اساسی زندان یعنی زندانی است. فرض بر این است که زندان نرخ مجرمیت زندان‌ها را وسعت داد، به شمارشان افزود یا تغییرشان داد اما کمیت جرم‌ها و مجرمان نه تنها ثابت باقی می‌ماند بلکه افزایش می‌یابد. کسانی که زندان را ترک می‌کنند بیشتر از گذشته امکان بازگشت به آن جا را دارند.

جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که زندان در اعاده حیثیت و بازگرداندن مجرم به جامعه توفیق نداشته است. تحلیل‌های نظری این مقاله که حاصل مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد، تحلیل‌های نظری بر پایه داده‌هایی استوار گشته که ابزار غالب گردآوری اطلاعات آن، مصاحبه با زندانیان و خانواده‌های آن بوده است.

زندانی منظور می‌شود؛ یعنی زندان وسیله‌ای برای مجازات و اصلاح، به ندرت با یکدیگر قابل جمع هستند؛ چرا که زندان به دلیل ساختارش، معمولاً به شیوه‌ای ناعادلانه با زندانی رفتار می‌کند و در نهایت موجب افزایش کینه‌ی زندانی نسبت به عدالت و قانون می‌شود و حتی ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه ایجاد مقدمات افزایش ارتکاب جرم شود.

از دیدگاه فوکو، به جای آن که زندان برای اجرای قوانین و آموزش احترام به قوانین در نظر گرفته شود، تمامی عملکرد آن بر وجه سوء استفاده از قدرت جریانی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که زندان موجب تشدید آن چه لمرت «انحراف ثانویه» می‌نامد، می‌گردد. دلیل اصلی این ناکارآمدی برای اصلاح

و تمایل و استعدادهایش را بر عهده گیرد. کنش زندان می‌بایست بی‌وقفه باشد. زندان بیشتر از مدرسه، کارگاه یا ارتش - که همواره متضمن نوعی تخصص بوده‌اند - تماماً انضباطی است. افزایش بی‌رویه آمار زندانیان، آثار و پیامدهای زیانباری از جنبه‌ی اجتماعی و

قضایی می‌تواند به وسیله آن با مجرمین برخورد کند، زندانی نمودن متخلف می‌باشد. بسته به دیدگاه مجرم یا شخص، زندان می‌تواند یکی از اثرات ممکن زیر را بر فرد داشته باشد:

- ۱- مکافات: یعنی باعث می‌شود که متخلف با وارد شدن در محیطی دشوار، جزای تخلفات خود را بپردازد.
 - ۲- ناتوان کردن: بازداری متخلف از تخلف مجدد.
 - ۳- تهدید شدن یا ترسیدن: باعث می‌شود که متخلفین خطرناک به دلیل عواقب دشوار، قبل از ارتکاب جرم دوباره فکر کنند.
 - ۴- اصلاح شدن: تغییر دادن متخلف، به طوری که بعد از آزادی مجدداً تخلف نکند.
- اهداف دو گانه‌ای که برای مجازات

مقدمه:
یکی از فراگیرترین ابزار کنترل اجتماعی و ایجاد نظم و پیشگیری از وقوع جرم، مجازات زندان است. زندان از چند جنبه باید مسئولیت تمامی نیازهای فرد از جمله تربیت جسمی، قابلیت کاری، رفتار روزمره او، مشی اخلاقی

مجازات و کارکردهای آن Punishment functions

مجازات به هر عملی گفته می‌شود که به منظور جلوگیری و تکرار تخلفات از قانون طراحی شده است. مجازات دارای کارکردهای ذیل است:

- ۱- سزای اعمال خلاف؛
 - ۲- محافظت اجتماعی؛
 - ۳- بازپروری؛
 - ۴- بازداری.
- مجازات با هدف بازداری در جستجوی کاهش عمل جنایی از طریق نهادینه کردن (Institutionalization) تدریجی ترس از مجازات در بین مردم است. هدف و کارکرد مجازات آن است که نه تنها در بزهکار شوق زندگی را برانگیزاند، بلکه به او توان زندگی کردن دهد یکی از روش‌های ممکن که سیستم

زندانی در ماهیت اساسی زندان نهفته است که در آن وظیفه‌ی نگهداری مقامات زندان بر سایر اهداف ترجیح دارد و زندان به تعبیر گافمن مؤسسه‌ای تام (total institution) است؛ یعنی محل اقامتی است که در آن زندانیان برای مدت معینی از عمر خود زیر نظارت تقریباً مطلق مقامات اداری قرار دارند. گافمن استدلال می‌کند که ماهیت اساسی مؤسسه‌ی تام به گونه‌ای است که مشکلات موجود ساکنان خود را تشدید می‌کند و در دراز مدت ایفای مسئولیت‌های اجتماعی بهنجاری را که بر عهده‌ی آنان است، دشوارتر می‌نماید. البته دوگانگی مذکور خود را به گونه‌ی دیگری نیز نشان می‌دهد بدین گونه که اگر زندان‌ها برای افراد به صورت مکان‌های ناخوشایندی درآید احتمالاً به بازداشتن متخلفان بالقوه از ارتکاب به جرم کمک می‌کند اما در مقابل دستیابی به هدف‌های بازپروری از زندانی شدن زندانیان را بی‌نهایت دشوار می‌کند. جامعه‌شناسان این مسأله را مورد بحث قرار داده‌اند که آیا حبس (Jail) به عنوان نوعی مجازات می‌تواند تأثیر بازدارندگی داشته باشد. طبق آمارها بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کسانی که از زندان آزاد می‌شوند، مجدداً مرتکب جرم می‌شوند. اینک به بررسی کارکردهای منفی مجازات زندان می‌پردازیم.

کارکردهای منفی مجازات زندان Dysfunctions of prison punishment

یکی از کارکردهای منفی مجازات، رفتارهای خشونت آمیز مجرمان در طول دوره محکومیت در زندان‌های موقت و دائم علیه خود (خودزنی) و علیه دیگران است. اقدام به خودکشی و آسیب رساندن به خود اعتراضی است که زندانیان به طولانی مدت بودن دوران محکومیت،

زندان آموزشگاه مناسبی برای زندانی نمی‌باشد هر چند کلیه امکانات آموزشی در آن جا فراهم باشد. چه بسا محلی برای آموزش‌های منفی و ضد اجتماعی بوده و مجرمان را آموخته‌تر و بزهاران‌تر از قبل از ورود به زندان در زمینه برآوردهای منفی کند و تبدیل به مجرمان حرفه‌ای نماید

زندان انفرادی، رفتار غیر انسانی کارکنان زندان و مورد تعدی قرار گرفتن به وسیله زندانیان دیگر نشان می‌دهند. مهمترین کارکرد منفی زندان انجام رفتار خشونت آمیز توسط زندانیان است. بدین سان می‌توان کارکردهای عمده زندان را از بُعد منفی به شرح ذیل بیان داشت:

- ۱- تشدید رفتار خشونت آمیز؛
- ۲- خودکشی؛
- ۳- آدمکشی و قتل؛
- ۴- فرسایش روحی و افسردگی؛
- ۵- ناامیدی و انزواطلبی؛
- ۶- تقویت همبستگی بزهاران؛
- ۷- رشد باندهای تبهکاری.

شاخص‌های رفتاری زندانیان Prisoner behavioural indexes

برخی شاخص‌های رفتاری که تأکید بیشتری بر بعد روانشناسانه رفتار زندانیان دارند، عبارتند از:

- الف) گوشه‌گیری و انزواطلبی و در خود فرو رفتن؛
- ب) احساس دل‌تنگی شدید و احساس غربت؛
- ج) اضطراب و تشویش و نگرانی شدید ناشی از؛

۱- ترس از دست رفتن آبرو که متأثر از وابستگی خود به هنجارهای افراد راست رفتار می‌باشد.

۲- احساس طرد اجتماعی از سوی جامعه‌ی بیرون از زندان شامل خانواده، آشنایان و دوستان.

۳- طرد از محیط کار و از دست دادن شغل.

۴- نگرانی برای خانواده و بی‌سرپرست ماندن آن‌ها اعم از نگرانی برای مشکلات مالی آن‌ها و یا مسائل عاطفی و اجتماعی ایشان.

۵- مشکلاتی که در راه سازگار ساختن خویش با محیط زندان خواهد داشت.

د) سرکوب و سرزنش درونی و اظهار عجز و ندامت

ه) بهت زدگی.

و) حالت عادی و بی‌تفاوت.

چار چوب نظری

Theoretical Framework

زندان آموزشگاه مناسبی برای زندانی نمی‌باشد؛ هر چند کلیه امکانات آموزشی در آن جا فراهم باشد. چه بسا محلی برای آموزش‌های منفی و ضد اجتماعی بوده و مجرمان را آموخته‌تر و بزهاران‌تر توانمندتر از قبل از ورود به زندان در زمینه برخورد‌های منفی کند و تبدیل به مجرمان حرفه‌ای نماید.

بعضی از صاحب نظران در ارتباط با زندانی شدن، دیدگاه مخالف دارند و بر این اعتقادند که زندانی شدن ممکن است احتمال مجدد رفتارهای جنایت آمیز را افزایش دهد؛ زیرا زندان چون یک دانشگاه به جرم‌رل می‌دهد. با این حال، واکر و فارینگتون گروهی از متخلفین را که برای آن‌ها مجازات زندان معلق تعیین شده بود یا به قید ضمانت آزاد شده بودند با گروهی که زندانی یا جریمه شده بودند، مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند

که احتمال تخلف مجدد در گروه دوم کمی کم تر بود. بنابراین به نظر نمی رسد که لزوماً زندان احتمال تخلف مجدد را افزایش دهد. با این حال باید اشاره نمود که زندانیان مختلف ممکن است به طرق متفاوتی نسبت به زندانی شدن واکنش نشان دهند؛ ممکن است احتمال تخلف مجدد برای بعضی ها کمتر و برای بعضی ها بیشتر شود.

با این وجود اعتقاد عمومی بر این منوال است که زندانی شدن باید باعث کاهش تخلف مجدد گردد. اساس این اعتقاد این است که زندان رفتن یک امر زشت و ناپسند می باشد و کسی که زندان را تجربه می کند، برانگیخته می شود تا از رفتارهایی که منجر به تخلف و قانون شکنی می شود، اجتناب کند. دلایلی وجود دارد که نشان می دهد چرا در واقع چنین چیزی رخ نمی دهد. بعضی از مفسرین اظهار می دارند که زندان ها بیش از حد ملایم و آرام است. اگر چنان چه میزان خوشایندی و سختی محیط زندان افزایش یابد می تواند باعث کاهش تخلف مجدد گردد. چنین عقیده ی مبهمی را به راحتی می توان طرد نمود؛ زیرا تنفرزایی محیط زندان (برای مثال، همان طور که به وسیله میزان شلوغی اندازه گرفته شده) به نظر نمی رسد که بر میزان تخلف مجدد اثر داشته باشد. در حقیقت به نظر می رسد متخلفینی احتمال تخلف مجدد کسانی که از زندان های شلوغ آزاد می شوند در مقایسه با آن هایی که در زندان های کم جمعیت تر بودند، بیشتر است. علاوه بر این ها، زندان دارای اثرات مخرب روانشناختی فراوانی بر روی زندانی می باشد که با توجه به آن نمی توان زندان را یک امر منطقی در کاهش جرم دانست. پوت واین (Putwain) و سامونز (Sammons) می نویسند: «تقریباً

بسیاری از متخلفین فوراً به محض آزاد شدن از زندان مرتکب جرایم بیشتری می شوند.»

بر اساس گزارش بوتوملی (Bottomley)، میزان محکومیت مجدد بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در انگلیس ثابت و تقریباً حدود ۶۰ درصد بوده است. زامبل (Zamble) میزان محکومیت مجدد در کانادا را بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بین ۴۰ تا ۵۰ درصد اعلام می کند. میزان محکومیت مجدد در میان جوانان مذکر انگلیس بیش از ۸۰ درصد می باشد.

از آن جایی که بسیاری از جرایم به محکومیت منجر نمی شود، میزان تخلف مجدد آن بیش از میزان جرایمی که محکومیت مجدد دارند، می باشد. این یافته ها این عقیده را که زندان به طور معناداری شانس تخلف مجدد را کاهش می دهد را تأیید نمی کند. حتی برخی تحقیقات اخیر در پی اثبات این هستند که تدابیر اصلاحی - درمانی، در مقایسه با اجرای مجازات های کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی دهد. به همین روی است که برخی از صاحب نظران از این تفکر دفاع

می کنند که اصلاح زندان باید هم چون هدفی جنبی، ولی مطلوب باقی بماند. ساترلند (Sutherland) در نظریه پیوند افتراقی (differential association theory) عقیده دارد:

- ۱- رفتار انحرافی آموختنی است؛
- ۲- رفتار انحرافی در فرآیند ارتباطات شکل می گیرد؛
- ۳- بخش عمده ای از یادگیری رفتار انحرافی در درون گروه های صمیمی صورت می گیرد؛

در این فرآیند فرد همه ی روش ها و فنون ارتکاب جرم را می آموزد. از نظر باندورا (Bandura) رفتار در نتیجه کنش متقابل (Interaction) بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می آید. تارد (Tarde) در نظریه تقلید (Imitation theory) بر فرآیند (Process) کسب رفتار انحرافی و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های یادگیری مشاهدات است، تأکید دارد. او هم چنین بر قوانین سه گانه به شرح ذیل تأکید دارد:

۱- انسان ها به میزان تماس نزدیکی که با هم دارند به تناسب از یکدیگر تقلید می کنند؛

- ۲- فرودست ها (inferiors) از فرادست ها (Superiors) تقلید می کنند؛
- ۳- قانون جوف گذاری (The Law of Insertion).

بر پایه نظریه تعارض (Conflict) میان اهداف (Goals) و وسیله ی (means) مرتون (Merton)، مجرمین در زندان به دلیل ارتباط خاص و صمیمانه با سایر هم بندان خود، اهداف انحرافی و راه های دست یابی به این اهداف را می آموزند و در صورتی که فرد برای دستیابی به اهداف بهنجار (normal) خود از راه های بهنجار توفیق نداشته باشد، به راه ها

بعضی از مردم
در بعضی از مواقع به صرف این که
بر حسب منصرف
فورده اند به عنوان مجرم شناخته
می شوند.
گافمن (Goffman) عقیده دارد که
وقتی فردی بر حسب
گجرومی فورد، سر نوشت
او تغییر می کند.

و ابزارهای نابهنجار (abnormal) متوسل می شود. نظریه بر چسب زنی (Labelling theory) بر این مبنا تعریف گردیده است که اساس انحراف اجتماعی (Social deviance) تعریفی است که جامعه از رفتارهای انسانی دارد. بر پایه پیش فرض های (assumption) نظریه بر چسب زنی:

۱- واکنش های دستگاه های کنترل و نظارت اجتماعی نظیر پلیس علت اساسی رفتار انحرافی است.

۲- هر عامل رفتاری هنگامی منحرف (deviant) می شود که واکنش اجتماعی نسبت به نخستین رفتار انحرافی خود را تجربه کند.

۳- جامعه شناسان انحراف (Socialo gists of deviance) باید منحرفانی را مطالعه کنند که چندین بار مرتکب بزهکاری و جرم شده اند.

برخی از مردم در بعضی از مواقع به صرف این که بر چسب منحرف خورده اند به عنوان مجرم شناخته می شوند. گافمن (Goffman) عقیده دارد که وقتی فردی بر چسب کجرو می خورد، سرنوشت او تغییر می کند.

نتیجه ای که از تئوری بر چسب می توان گرفت این است که مجازاتی که قرار بود از انحراف جلوگیری کند، خود عامل کجروی های بیشتر می شود.

بر پایه مکتب جرم شناسی کلاسیک (Classic Criminology School)، قوانین تعیین کننده ی جرم و مجازات باید صریح و روشن بوده و مجازات باید متناسب با جرم باشد. لذا مجازات و زندان با هدف بازدارندگی (deterrence) باید متناسب با جرم و در نظر گرفتن پیامدهای آن باشد. پیت (Pate) و همیلتون (Hamilton) درباره ی تأثیر بازدارندگی مجازات ها در یافتند که به طور کلی

کثرت و ازدحام زندانیان باعث شد که مسؤولان زندان ها بفش عمده ای از توان مادی و معنوی خود را مصرف مسائل و چون امنیت، بهداشت و تغذیه زندانیان کنند و دیگر برای رسالت اصلی قویش یعنی اصلاح و بازپروری زندانیان توان و یا مادی انگیزه نداشته باشند

دستگیری و مجازات رسمی تأثیری در بازداشتن افراد از ارتکاب جرم بعدی نداشته است. آنان به این نتیجه رسیدند که اگر مجازات های رسمی فقط کسانی را که دارای قید و بند های زیاد هستند، بترساند؛ در بازدارندگی کسانی که قید و بند کمی دارند تأثیر ندارد.

آسیب شناسی حبس Jail Pathology

مجازات حبس برای زندانی تبعات احتمالی زیر را در پی خواهد داشت:

الف) تبعات ناشی از تأثیر پذیری از عوامل درونی زندان که بخشی از آن ها عبارتند از:

- ۱- تأثیر پذیری از شیوه های مختلف اعمال مدیریت؛
 - ۲- تأثیر پذیری حاصل از روابط متقابل مابین زندانی با زندانیان دیگر؛
 - ۳- تأثیر پذیری از امکانات و خدمات زندان.
- ب) تبعات ناشی از کلیت زندان که در خارج از زندان روی می دهد. که عبارتند از:

- ۱- احتمال طرد اجتماعی؛
- ۲- احتمال از هم گسیختگی خانواده؛
- ۳- احتمال معاشرت با دوستان زندانی و

سوق یافتن به انجام اعمال خلاف؛

۴- احتمال از دست دادن سرمایه و امکانات. (عبدی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۲۸).

هزینه های اقتصادی حبس Jail Economic Costs

حبس منجر به هدر رفتن نیروی انسانی می گردد. نیروهای انسانی هر جامعه ای چنان چه تبدیل به نیروهای هزینه بر شوند، به همان اندازه آن جامعه منابع خویش را از دست داده است.

زندانیان اکثرأ در سنین فعالیت بین ۲۰ تا ۵۰ سال قرار دارند و این افراد از لحاظ سنی در بهترین دوران کارآمدی خویش به سر می برند.

زندان دارای هزینه های بی بازگشتی است. هر چند به صورت مستقیم و غیر مستقیم می توان آن هزینه ها را نوعی تأمین و افزایش سطح امنیت و در نتیجه بهره وری و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی دانست اما در تمام جهان هزینه نگهداری شبانه روزی در هر سیستمی بسیار بالا بوده و بخش اعظم آن احیا نمی شود و اتلاف منابع را به همراه دارد.

هم چنین ساخت زندان ها و به ویژه در شهرهای بزرگ دارای هزینه های بسیار بالا و مشکلات متعددی است. هزینه های تردد خانواده های زندانیان هم برای ملاقات با آن ها بسیار بالاست؛ به عنوان مثال اگر یک کشوری ۱۵۰ هزار زندانی داشته باشد و میانگین خانوار هر خانواده چهار نفر و در هر هفته دو نفر از یک خانواده فقط قصد ملاقات زندانی خود را داشته باشند؛ جمعیتی معادل ۳۰۰۰۰۰ نفر در هفته به زندان مراجعه می نمایند که ارائه آمار سالانه آن بسیار نگران کننده خواهد بود. مضافاً این که تردد چنین جمعیتی اتلاف انرژی، آلودگی محیط زیست و مشکلات ناشی از اقامت های اجباری بین شهرها و ... را به همراه دارد.

بنابراین هزینه های اقتصادی حبس و زندان عبارتند از:

- ۱- اتلاف منابع انسانی؛
- ۲- آسیب پذیری جمعیت فعال؛
- ۳- هزینه های نگهداری و پشتیبانی؛
- ۴- هزینه های ساخت زندان؛
- ۵- فقر مالی خانواده؛
- ۶- کاهش درآمد سرانه خانواده؛
- ۷- انفصال شغلی؛
- ۸- افزایش میزان بیکاری؛
- ۹- هزینه های تردد جهت ملاقات با زندانی.

والدین زندانی و پیامدها Prisoner Parents and Consequences

پیامدهای متعددی در خانواده هایی که والدین آن ها (حداقل یکی از والدین) در زندان به سر می برند، رخ می دهد که بخشی از آن عبارت است از:

- ۱- بروز رفتارهای ناپهنجار اجتماعی
عدم حضور عناصر اصلی (پدر و مادر) خانواده در کارکردهای نظارتی و تربیتی و فرآیند جامعه پذیری (Socialization) فرزندان اثرات منفی بر جای گذارده و فرزندان توانایی انطباق بهینه با جامعه را نخواهند داشت. لذا نرخ رفتارهای ناپهنجار در بین فرزندان خانواده هایی که دارای سابقه دار هستند، بیشتر می باشد.
- ۲- عدم انطباق بهینه با جامعه؛
- ۳- اختلال در فرآیند الگوگیری فرزندان؛
- ۴- انتقال رفتارهای انحرافی از پدر و مادر زندانی به فرزندان؛
- ۵- ضعف در یادگیری و پذیرش ارزش های اجتماعی؛
- ۶- عدم ارتباط میان فرزندان و اعضای خانواده (این ارتباط توأم با احترام نیست)؛
- ۷- افت تحصیلی یا ترک تحصیلی میان فرزندان.

در خانواده هایی که پدر حضور ندارد و در حبس به سر می برد، نقش اقتصادی و اقتدار (authority) پدر به شدت مختل می شود و پایگاه شغلی او دستخوش اختلال می شود. در چنین خانواده هایی بر اثر مخارج شخصی پدر و دیکتاتوری او، خانواده مقروض می شود. در صورتی که پدر معتاد باشد، اموال منزل به دست او به فروش می رسد و پدر پس از مدتی از ایفای مسؤولیت های منزل حذف می شود.

زنان و زندان

Women and Prison

زنان به دلیل ارتکاب جرایم مختلفی مانند سوء مصرف مواد مخدر (drug abuse)، اعتیاد (addiction)، جرایم مالی (financial offences)، سرقت (theft) و روابط غیر اخلاقی مجبور به تحمل حبس می کنند. اکثر زنان که زندانی هستند متأهل و دارای فرزند می باشند؛ به طور کلی بیشتر زنان حداقل یک بار از دواج کرده اند و از گروه های سنی ۳۰ سال به بالا می باشند و به طور متوسط ۱ تا ۳ فرزند دارند و عدم حضورشان در کانون خانواده مشکلات عاطفی و اجتماعی مختلفی را برای فرزندان در پی دارد. در این گونه خانواده ها که مادران دوران حبس را سپری می کنند، نبود وی می تواند به تضعیف و فروپاشی نظام خانواده منجر گردیده و زمینه ساز انحراف سایر اعضای خانواده شود. بر اساس تحقیق انجام گرفته، بیش از ۳۵ درصد زنان زندانی در زندگی خود با طلاق مواجه شده اند و از این میان ۷۶ درصد آنان قبل از آمدن به زندان مطلقه بوده اند و فقط ۲۴ درصد آن ها را شوهرانشان پس از زندانی شدنشان طلاق داده اند. در مجموع می توان گفت که نخست زنان جوان تر، به هنگام وقوع جرم به محض زندانی شدن با

احتمال طلاق مواجه می شوند و سپس زنان معتاد و متهم به روابط نامشروع با چنین پدیده ای روبه می گردند.

ازدحام جمعیتی در زندان و آسیب های آن

Overpopulation and Prison

کثرت و ازدحام زندانیان باعث شد که مسؤولان زندان ها بخش عمده ای از توان مادی و معنوی خود را مصروف مسائلی چون امنیت، بهداشت و تغذیه زندانیان کنند و دیگر برای رسالت اصلی خویش یعنی اصلاح و بازپروری زندانیان، توان و یا حتی انگیزه نداشته باشند.

بر اثر فضای اصلاحی در زندان هاست که خود زندانیان متولی امر آموزش به یکدیگر می شوند و تجارب خود را در ارتکاب جرم به یکدیگر منتقل و آموخته ها را نیز به بزهکاران حرفه ای بدل می کنند.

زندان های پرجمعیت و طبقه بندی نشده به دلیل فضای حاکم بر تمام زندان ها از همبستگی نسبی بزهکاران بنا به دلایل مختلف برخوردار است. بزهکارانی که عموماً به صورت فردی بزه می مرتکب شده و به آن دلیل دوره محکومیت خویش را در زندان طی می کنند بعضاً پس از خروج از زندان در گروه های منسجم عضویت می یابند. در چنین شرایطی حضور فرد در زندان به عنوان زندانی، خصوصاً در محکومیت های کوتاه مدت جز آثار زیانبار، ثمری ندارد.

واقعیت این است که علی رغم کاهش نسبی جرم در بعضی از مناطق جهان، آمار جمعیت زندان ها در حال افزایش است. در حال حاضر بیش از نیمی از زندانیان کل آمریکا را مجرمین مواد مخدر تشکیل می دهند. گیلیارد و لاور دست یافتند که زندانیان و حبس شدگان به خاطر ازدحام جمعیت در زندان به شدت آسیب می بینند؛ در نتیجه برای بسیاری

از زندانیان، بیان احساسات و رفتارهای طبیعی ناممکن است.

بر پایه تحقیقات لمب و وینبرگر ۱۰ تا ۱۵ درصد کسانی که در زندان و محلات حبس قرار داشتند از بیماری روانی شدید رنج می بردند. در چنین شرایطی ممکن است نیمی از زندانیان به رفتارهای خود تخریبی و ده درصد به رفتارهای پرخطری چون خودکشی دست زنند. از دلایل اصلی افزایش جمعیت زندان، تعداد زیاد موارد حبس در قوانین است. قریب به ۵۲ درصد ورودی به زندان ها (در ایران) به دلیل ارتکاب جرایم سبک است. هم چنین برای اعمال سایر مجازات های سبک مثل شلاق نیز این افراد می بایست یک تا ده روز را در زندان بگذرانند. اشباع زندان ها، سوء رفتار با زندانیان و شیوع فساد در این مکان ها، موجب می شود مجازات زندان تأثیری بر اصلاح مجرم و جرم زدایی (Decriminalization) نداشته باشد و حتی اسباب مجرم پروری را نیز فراهم آورد. مرکز بین المللی مطالعات زندان (International center for prison study--CICPS)) در همایش سال ۱۹۹۹ به این نتیجه رسید که زندان نه تنها فایده چندانی برای جامعه ی خسارت دیده از جرم ندارد بلکه موجب گسست زندگی خانوادگی زندانی نیز می گردد.

از سوی دیگر، زندانی شدن والدین موجب پایین آمدن منزلت اجتماعی اعضای خانواده زندانی می شود. این امر، تقید اخلاقی به نظم و قانون را خنثی می سازد و ساختی را به وجود می آورد که رفتارهای بزهکارانه را توجیه می کند و باعث می شود اعضای خانواده به هنجارشکنی رو آورند. پروپورینو (Proporino) دریافت که زندانیان در ابتدای ورود به زندان میزان بالای اضطراب و افسردگی را نشان می دهند. میزان خودکشی نیز در مقایسه با جمعیت عادی جامعه در میان زندانیان بیشتر است.

یافته ها نشان می دهد که زندان دارای اثرات مخربی بر سلامت روان افراد می باشد. این میزان تخریب کنندگی در ابتدای شروع مجازات، در بالاترین سطح خود بوده و به مرور زمان در اثر انطباق زندانی با محیط زندان میزان آن کاهش می یابد. هم چنین آسیب پذیری خانواده شکل گیری باندهای تبهکاری و مجرمانه (Criminal) و بروز بیماری های خطرناک چون ایدز و رفتارهای پرخطر در زندان ها از دیگر ابعاد آسیب شناسی زندان است.

اصلاح و بازپروری:

از دیدگاه آسیب شناسی اجتماعی،

کارایی و اثربخشی زندان ها در زمینه اصلاح و بازپروری زندانیان رابطه تنگاتانی با انتساب برجسب های بزهکارانه به افراد بازداشت شده و واکنش های رسمی و غیررسمی نسبت به مجرمان و بزهکاران داشته و می تواند نگرش ها و رفتارهای آنان را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین برای این که زندان ها از کارایی و اثربخشی لازم در راستای اصلاح و بازپروری مجرمان برخوردار بوده و اثر مثبت و سازنده ای بر زندانیان داشته باشد، باید از به کار بردن برجسب های جنایی و کیفری که موجب تغییر هویت آنان می شود، خودداری کرد.

فرآیند اصلاح و بازپروری زندانیان در زندان باید در دو مرحله انجام شود: مرحله اول، شخصیت زدایی منحرف از زندانی؛ مرحله دوم، جامعه پذیری مجدد زندانیان بر اساس هنجارهای مقبول جامعه با هدف ایجاد تغییرات اساسی در الگوهای رفتاری و ارزش های فردی زندانیان.

راهکارها و روش های جایگزین

مجرم با جرم وارد زندان می شود اما بعد از خروج از زندان با اکثریت جرم ها آشنا شده و ضمن آشنایی با نحوه ی برخورد قانون با این گونه جرایم، راه های قانون



نوع شناسی تأثیرات زندان

تأثیرات زندان را می توان به دو دسته ی عمده ی تأثیرات عینی (Objective) و ذهنی (Subjective) تقسیم نمود.

۱- تأثیرات عینی شامل:

۱-۱ از هم گسیختگی خانواده ← طلاق ← ۱- فشار روحی و عاطفی از زندانی شدن مرد
۲- طولانی شدن مدت حبس
۳- مشکلات مادی و معنوی

۲- تأثیرات ذهنی شامل:

۱-۲ یادگیری فنون ارتکاب جرم: ← ۱- انتقال جرم
۲- ارتقای کیفیت جرم
۳- یادگیری شکردهای جرم و حیل قانونی
۱- از دست دادن شغل
۲- از بین رفتن آینده شغلی
۳- طرد اجتماعی (دوستان، فامیل، همسایگان، سازمان و...)

۱-۳ اشتغال: ← ۱- از دست دادن شغل
۲- از بین رفتن آینده شغلی
۳- طرد اجتماعی (دوستان، فامیل، همسایگان، سازمان و...)

ابرنوآبادی، مجله تحقیقات حقوق، شماره ۱۰، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۱.

■ گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران، ۱۳۷۳.

■ ورسلی، پیتر، جامعه شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، تهران، ۱۳۷۳.

■ Anderson, C. (۲۰۰۳), Prison populations challenge already cash-strapped states, The newstrubune, July. ۲۸.

■ Becker, H.S. (۱۹۶۳). Outsiders: Studies in the sociology of deviance, New Yourk, Free press.

■ Bilton, T. and others, (۱۹۸۸), Introductory sociology, London: Macmillam.

■ Crothers, C. (۱۹۸۷), Merton, Sussex: Ellis Harwood.

■ Erikson, K.T. (۱۹۶۶) Wayward puitronce: A study in sociology of deviance, New Yourk: John wiley.

■ Gilliard, D.K. (۱۹۹۹), Prison and Jail Inmates at Midyear ۱۹۹۸, Washington DC: Governement printing office.

■ Haycock, J. (۱۹۹۱), Capital Crimes: studies in Jail Death studies, ۱۵ sept, oct.

■ Lemert, E. (۱۹۶۷), Human Deviance, Social problems and social control: Erglewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

■ Lemert, E. (۱۹۵۱). Social Pathology. New York: McGraw-Hill.

■ Lamp, H.R; and L.E. Weinberger, (۱۹۸۸), Persons with service mental illness in jails and prisons, Psychiatric services ۴۹, April.

■ Lauer, R.H, and J.C. Lauer, (۲۰۰۲), Social problems and the Quality of life, New York: McGraw-Hill.

■ Matza, D. (۱۹۶۴), Delinquency and Theft. New York: wiley.

■ Reid, S.T. (۲۰۰۰), Crime and Criminology. USA: McGraw-Hill.

■ Sutherland, E.H, (۱۹۷۴), Criminology, Philadelphia: Lippincot.

روش های جایگزین زندان عبارتند از:

۱- ارائه ی خدمات به جامعه توسط زندانیان

(Community work services by prisoners)

۲- خانه های نیمه راه (Halfway houses);

۳- آزادی به قید ضمانت (Freedom by guarantee);

۴- مراکز گزارش روزانه (Day reporting centers);

۵- بازداشت خانگی (House arrest).

گریزی را فرامی گیرد و بعد از آزادی همیشه یک قدم از قانون جلوتر است. در چنین شرایطی نه تنها اصلاحی صورت نگرفته بلکه انگیزه های مجرمانه را در زندانی می دهد. تحمیل الزام های اجباری و خشن، روح زندانی را سرکش و مخرب می سازد و این امکان وجود دارد که او را خشمگین و خشونت گرا سازد. معمولاً در چنین شرایطی زندانی خود را مجرم نمی داند و انگشت اتهام را به سوی عدالت نشانه می گیرد. بعضی از راهکارهای جدید جایگزین زندان عبارتند از:

۱- تعلیق در مجازات: در تعلیق مجازات، تا زمانی که فرد جرم جدیدی را در مدتی که قاضی در حکم خود قید می کند، مرتکب نشود؛ مجازات در مورد او اعمال نمی شود.

۲- تعلیق مجازات بدون صدور حکم که شکل خفیف شده ی راه کار اول است.

۳- اقامت (استقرار) فرد بز هکار در محل ممنوع.

۴- تحریم و ممنوعیت از شغل سازمانی.

۵- کیفر نقدی

۶- انجام خدمات عام المنفعه بر اساس این حکم به بز هکار این فرصت را می دهند تا با انجام کاری به نفع جامعه ضرر و زیان ناشی از بز ه ارتکابی اش را بر جامعه جبران نموده؛ بی آن که مجازات زندان در مورد او اعمال گردد. هم چنین، برخی از

منابع
■ احمدی، حبیب، جامعه شناسی انحرافات، سمت، تهران، سال ۱۳۸۴.

■ پوت واین، دیوید و آیدن سامونز، روانشناسی و جرم، ترجمه دکتر داوود نجفی توانا، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳.

■ عبدی، عباس، آسیب شناسی اجتماعی - تأثیر زندان بر زندانی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، تهران، ۱۳۷۱.

■ عبدی، عباس، مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، ۱۳۸۱.

■ رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهرمان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.

■ فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانانیده، نشرنی، تهران، ۱۳۷۸.

■ کلارکسون، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه دکتر حسین میر محمدی صادقی،

جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.

■ گسن، ریموند، بحران سیاست های جنایی کشورهای غربی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی،

